

## نقش اقتصاد اسلامی بر جنبش فکری بشر

وجیهه میرسعیدی<sup>\*۱</sup>

<sup>\*۱</sup>. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش - تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اصفهان (واحد خوراسگان)، اصفهان، ایران

سید ابراهیم میرشاه جعفری<sup>۲</sup>

<sup>۲</sup>. استاد تمام، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف نقش اقتصاد اسلامی بر جنبش فکری بشر از نوع بنیادی بوده و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد. بدین صورت که پس از رجوع به منابع اصیل، اطلاعات به صورت فیش برداری از موارد مطالعه شده تدوین و جمع آوری گردید. این پژوهش به بررسی نقش دین در پیشبرد اهداف اقتصادی، اهمیت به تولید، کار و تلاش، تولیدات واجب و مکاسبه حرام از منظر اسلام، دوری از مناهای اقتصاد شامل اسراف و تبذیر، ربا، احتکار و انجام تکالیف عبادی و اقتصادی مانند خمس و زکات نگاهی داشته و همچنین به انواع فقر و نظر دین نسبت به دنیا پرداخته است. یافته ها نشان داد، اقتصاد دینی افزون بر آبادی دنیا، آخرت را نیز حقیقتی مسلم دانسته و در جهت تحکیم وضعیت جامعه، نیاز به تکثیر ثروتها، درآمدی مناسب و توزیع عادلانه است.

کلید واژه ها : آموزه های اسلام؛ جنبش فکری؛ اقتصاد اسلامی

## مقدمه

قرآن کریم جامعه ای را مطلوب حیات انسانی می داند که افراد آن دارای بالاترین شعور و شناخت حقایق هستی باشند. هر چقدر این بصیرت دقیق تر باشد رسیدن به حیات الهی آسان تر شده و زمینه های فساد و تباهی در امور فردی، اجتماعی و حکومتی جوامع، خشکیده خواهد شد. بنابراین در چنین جامعه ای انسان ها استعدادهای فطری خود را می توانند شکوفا کنند و جامعه ایده آل و یا به قول فلاسفه، مدینه ی فاضله شکل خواهد گرفت. در سالهای اخیر با توسعه روابط علمی، فرهنگی، اقتصادی، نگاه دینی و قرآنی به علوم روز بار دیگر به یکی از دغدغه های عمده متفکران دینی سراسر جهان اسلام تبدیل شده است. لذا این پژوهش به نقش آموزه های دینی بر تفکر بشر در زمینه اقتصادی پرداخته است. اخوی (۱۳۷۹) در مطالعه ای با عنوان نقش تربیتی دنیا از دیدگاه امام علی (ع) به تحقیق و بررسی در این رابطه پرداخته است. از جمله یافته های این پژوهش این است که از دیدگاه امام علی (ع) دنیا به خودی خود مذموم نیست، بلکه وابستگی و دلبستگی شدید به دنیا و هدف قرار دادن آن مورد نکوهش واقع شده است. امینی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان توسعه اجتماعی- اقتصادی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع)، با بهره گیری از روش تحلیلی به بررسی چند مفهوم تأثیر گذار در توسعه اقتصادی- اجتماعی پرداخته است و مفاهیمی چون توسعه، ثروت، فقر، کار، اشتغال از دیدگاه حضرت علی (ع) مورد بررسی قرار گرفته، به روشننگری ارتباط این مفاهیم و توسعه اجتماعی- اقتصادی در جامعه اسلامی پرداخته است. عزیزان (۱۳۸۹) در پژوهشی با موضوع ارزش و آداب کار اقتصادی در اسلام به بیان این موضوع می پردازد که هر چند کار منحصر در کار اقتصادی نیست و انواع گسترده ای از قبیل علمی، هنری، اجتماعی و... را شامل می شود، اما کاری که اغلب مردم را به خود مشغول کرده و بخش قابل توجهی از وقت آنان را به خود اختصاص داده، کار اقتصادی است. ارزش کار اقتصادی صرفاً به بهره ی اقتصادی آن نیست و فواید فراوان دیگری بر آن مترتب است. در این نوشتار ابتدا ارزش کار اقتصادی در ابعاد مختلف آن بیان شده و سپس به چند ویژگی مطلوب کار از دیدگاه آیات و روایات اشاره گردیده است. حسینی کوهساری (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان اعجاز اقتصادی قرآن کریم، به بیان این مسئله پرداخته که اعجاز اقتصادی قرآن، آموزه ها یا نظام هایی از آموزه های اقتصادی قرآن است که بشر هیچ گاه نمی تواند بدون بهره گیری از دین به آن برسد، از این رو قابل تحدی نیز می باشد. معارف قرآنی در هر کدام از قلمروهای عمده اقتصادی اسلام، از قبیل جهان بینی اقتصاد قرآنی، ایدئولوژی اقتصاد قرآنی، فلسفه اقتصاد قرآنی و ساز و کارهای اقتصاد قرآنی پرداخته است. ملایی (۱۳۹۰) در پایان نامه خود با عنوان بررسی عوامل فقر و شیوه های مبارزه با آن از دیدگاه قرآن و متون اسلامی، به بررسی عوامل مؤثر در توسعه فقر و شیوه ها و راهکارهای زدایش این معضل اجتماعی با نگرش اسلامی پرداخته است. قمی و سجادی (۱۳۹۱) درعین نشان دادن ناسازگاری مبانی مدرنیسم با مبانی اسلامی، به اثبات امکان اجرای زهد در این عصر پرداخته و با تفسیر صحیح زهد با استفاده از قرآن و سنت، عرصه های مختلف اجرای زهد همچون عرصه تولید، مصرف، تخصیص در آمد و ... را بررسی و به ارائه الگوی صحیح زهد پرداخت. اصغری (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان تربیت دینی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی، به این مسئله پرداخته است که بین آرمان های دینی و اقتصادی در مکتب اسلام تعامل و هماهنگی کاملی وجود دارد، تا جایی که اسلام، اقتصاد را وسیله ای جهت رشد و تعالی انسان می بیند. از این رو، در فرهنگ اقتصادی اسلام، اهتمام به علم و دانش و نوآوری، ترغیب به کار، پرهیز از اسراف و تبذیر، زهد و قناعت در مصرف، تشویق به بهترین استفاده از نعمت های الهی و تلاش در امر تولید و عدم وابستگی به بیگانگان در کالاهای استراتژیک، زمینه را برای رسیدن به الگوی متناسب با آرمان های اقتصادی اسلام فراهم می آورد. تربیت دینی در بعد اقتصادی در واقع همان مهارت

آموزی و به کارگیری آن در بهره وری بهینه از منابع و ارتقاء بهره وری است. بهاتا<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) در مقاله ای با عنوان آیا نابرابری و فقر برای توسعه اقتصادی مضر است، به بررسی اثرات مفید کاهش فقر و برابری درآمد بر رشد اقتصادی در آمریکا می پردازد. با در نظر گرفتن مدل رگرسیونی که متغیر وابسته آن نرخ رشد درآمد سرانه و متغیرهای مستقل آن نرخ فقر، ضریب جینی جمعیت می باشد. ارتباط میان این متغیرها تبیین شده است. مطابق با نتایج، ارتباط معنادار و مثبت میان برابری درآمدها و فقر وجود دارد و نابرابری و فقر کمتر منجر به رشد اقتصادی بالاتر خواهد شد.

## مفهوم اقتصاد

«اقتصاد به معنی میانه روی و رعایت اعتدال در خرج مال است و لزوم رعایت اعتدال و میانه روی در صرف مال از نظر اسلام یک قانون است، لذا تخلف از آن در هر مورد اسراف تلقی می شود. اقتصاد به یک نظام اقتصادی در یک منطقه جغرافیایی مشخص اطلاق می شود و در برگیرنده تولید، توزیع یا تجارت و مصرف کالاها و خدمات در آن منطقه یا کشور است. یک اقتصاد مجموع کل ارزش معاملات میان فعالان اقتصادی نظیر افراد، گروهها، سازمانها و حتی ملتها است. باید مصرف کننده عقلایی مسلمان نه مسرف باشد و نه خسیس، یعنی حد اعتدال را رعایت نماید» (سبحانی، ۱۳۸۰: ۱۰۹). همانطور که خداوند قادر متعال می فرماید: \* وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا \* «آنان کسانی هستند که وقتی انفاق می کنند نه اسراف کار هستند و نه بخیل، بلکه حد میانه ای بین آن دو را انتخاب می کنند.» (الفرقان: ۶۷).

## تاریخچه و نقش نظام اقتصاد اسلامی

«دانش اقتصاد اسلامی از همان آغاز اسلام در قرن اول هجری در طول قرن متمادی جمع آوری شده، اما رشد این دانش یکنواخت نبوده است. دانش اقتصاد اسلامی در زمان های رونق اجتماعی و فرهنگی رشد سریعی داشته ولی در زمان های دیگر راكد بوده است. علم اقتصاد اسلامی به موازات رشد دانش اقتصاد اسلامی در زمینه پول، سیاست های مالی، تجارت و بازارها و همچنین مبادلات مالی در طول زمان تحول یافت. اجتهاد در اقتصاد اسلامی در قرون ۸ و ۷ هجری به اوج خود رسید. در طول این دوره، دانشمندان برجسته ای همچون عبدالرحمن ابن خلدون (۱۴۶۶-۱۳۳۲ م) پدیدارهای اقتصادی را درون بستر اجتماعی و تاریخی آن بررسی و تفسیر نمودند. وی اصول و قوانینی را در اختیار گذاشت که توضیح دهنده ی چگونگی تغییر ماهیت مسائل اقتصادی در طول مراحل مختلف تمدن بشری بود و دلایل عمده تأثیر گذار بر رشد محصول و میزان جمعیت را با توجه به ملاحظات شریعت و اعتقادات اسلام تحلیل نمود» (عیوضلو و حسینی، ۱۳۹۰: ۶۳). دین مقدس اسلام، همان برنامه ی فراگیری است که از طرف خدای متعال برای تعیین جهت زندگی انسان بسوی کمال نهائی نازل شده و دارای نظامهای هدفداری است که نظام اخلاقی بر همه ی آنها سایه افکنده و هدفهای آنها رابه صورت وسایلی برای رسیدن به کمال نهائی وسعادت ابدی قرار می دهد. یکی از نظامهای اسلامی که جزئی از سیستم کلی اسلام به شمار می رود، نظام اقتصادی است که برای تأمین مادی بشر مانند خوراک، پوشاک، مسکن، وسائل دفاعی، گسترش فرهنگ و بهداشت تشریع شده ودر مجموع، رفاه و آسایش وی را در ارتباط با تولید و توزیع و مصرف کالاها و خدمات، فراهم می کند. نظام اقتصادی اسلام تنها در صدد رفع نیازهای ضروری بشر نیست بلکه در صدد ایجاد عدالت اجتماعی و تأمین رفاه برای همه می باشد. در استفاده از این نعمتها حدی که معین گردیده، رعایت عدم اسراف و تبذیر و پرداخت حقوق متعلق به اموال

<sup>3</sup>. Bhatta , S. D

است. \*...كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ\* (الاعراف : ۳۱) زندگی اجتماعی انسانها بدون اقتصاد شکوفا و رشد یافته، بسی دشوار است و همواره اقتصاد بیمار، زمینه را برای نابودی ارزشهای اخلاقی و حاکمیت فساد و جنایت بیشتر مهیا می کند. اصولاً پیمودن مسیر تکامل و رسیدن به کمال مطلوب برای یک جامعه، بدون فراهم بودن امکانات اقتصادی و رفع نیازهای مادی، غیر ممکن به نظر می رسد. بسیاری از وابستگی های یک جامعه در اثر فقدان کارائی اقتصادی آن جامعه است و بسیاری از عقب ماندگیهای فرهنگی و سیاسی، در اثر عقب ماندگی اقتصادی است. یعنی امکانات لازم اقتصادی برای پیشرفت در این زمینه ها قبلاً فراهم نشده و بدین جهت، این نوع عقب ماندگی ها پدید آمده است و این ویژگیها از میان مسائل اجتماعی به اقتصاد اهمیت خاصی می بخشد» (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷). اقتصاد مورد نظر دین، به سامانه ای اطلاق می شود که برخاسته از دست آوردهای عقلی و نقلی است که در کنار هم به کار گرفته می شود. باهم بودن عقل و نقل (آیات و روایات) و امتزاج آن دو، اقتصادی را بوجود می آورد که در آن جدید ترین دست آوردهای علمی، در قالبی دین مدارانه پی ریزی می شود. در این اقتصاد، مردم افزون بر آبادی دنیا و ساماندهی زندگی دنیوی خود، نه تنها آخرت را حقیقتی مسلم دانسته، آن را فراموش نمی کنند، بلکه تک تک حرکتهای دنیوی خود را سمت و سویی اخروی می بخشند» (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۲۶). «توسعه اقتصادی یک جریان و حرکتی پویاست و علم و دانش از عوامل اساسی آن محسوب می شود و حاکمیت روحیه علمی، بدون آزادی بیان و اندیشه ممکن نیست. در سایه برخورد آزاد افکار و تضارب اندیشه ها و نظرات مختلف است که نظرات نو ظهور می کنند و ابتکار و نوآوری علمی حاصل می شود. انسان توسعه یافته توانایی آن را دارد که جهت گیری او در برابر عقاید، آزادانه و خردمندانه تر باشد» (ستوده، ۱۳۸۴: ۲۷). اسلام با آزادی اندیشه و بیان آراء صد در صد موافق است تا جایی که خداوند تعالی می فرماید: \*...الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ\* «بشارت دهید به بندگانم، آنهایی که به سخن ها گوش فرامی دهند و از بهترین و نیکوترین آن تبعیت می کنند» (الزمر : ۱۸). «در جوامع پیشرفته امروزی، مفهوم آبادانی به توسعه همه جانبه اقتصادی ( بویژه توسعه پایدار یعنی با حفظ همه جانبه محیط زیست ) اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی اطلاق می شود. در هر صورت طبیعت، مواد خام و اولیه را در اختیار ساکنان خود قرار می دهد و آنان باید به شکلی صحیح از آن بهره برداری نمایند. در واقع کشف امکانات و ظرفیتهای موجود در طبیعت به عهده انسان گذاشته شده است تا با آن بنای یک زندگی همراه با رفاه و آسایش را پی ریزی کند» (عباس نژاد، ۱۳۸۴: ۳۷۱).

## اهمیت تولید

«منابع طبیعی، ثروت های خدادادی است که بشر در ایجاد آنها دخالتی نداشته است و خداوند آنها را به منظور استفاده بشر در دامن مهربان طبیعت قرار داده است. این ثروت ها، در اقتصاد از جایگاه ویژه ای برخوردار است و در پیشرفت و بالندگی هر کشور، تأمین درآمد برای دولت، سالم سازی محیط زیست و پایداری توسعه و برقراری عدالت دارای نقش مهمی هستند. توجه بیش از حد به رشد اقتصادی با نگرش افزایش فیزیکی تولید ناخالص داخلی، در طی قرن ها و دهه های گذشته، آثار زیان باری بر منابع طبیعی به خصوص منابع زیست محیطی ایجاد کرده و موجودیت و استمرار آنها را با خطر مواجه ساخته است. دین اسلام با تقویت انگیزه های اخروی افراد تا حد زیادی در حل مشکل موفق بوده اند، و هر قدر زمینه تربیت دینی افراد بیشتر شود، امکان تحقق این هدف بیشتر خواهد بود. دین اسلام به عنوان شریعتی جامع و کامل، با تشریع قوانینی درباره ی مالکیت این منابع و چگونگی بهره برداری از آنها زمینه تخریب و استفاده ناروا از منابع خدادادی را از بین برده است» (فراهانی فرد، ۱۳۸۹: ۱۷). خداوند هرچه را در طبیعت برای بهره برداری انسان قرارداد به عنوان طبایات از آن یاد کرده است و چنین نعمتی را در سایه کرامت

انسان معرفی نموده است. \* وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا \* (الاسراء: ۷۰). «انسان برای ادامه حیات و بهزیستن و بالا بردن سطح معیشت خود نیاز به نعمتهایی دارد که خداوند برای او مهیا فرموده است. مقداری از این نعمتها بدون هیچگونه تلاشی در اختیار او قرار دارد و نمونه ی بارز آن هوایی می باشد که جو زمین را فرا گرفته است. انسان آنچنان نیاز مبرمی به آن دارد که نمی تواند دقایقی چند بدون هوا زندگی کند ولی بهره مندی از آن احتیاج به هیچگونه تلاشی ندارد بلکه بطور آماده در اختیار بشر قرار دارد. اما خداوند بر اساس حکمتها و مصالحی، بسیاری از نعمتها را چنان قرار داده که انسان تنها در سایه ی تلاش و کوشش می تواند بدانه دسترسی پیدا کند. بقای انسان، سلامت او، بالا رفتن سطح زندگی و علم او متوقف بر تلاش و کوشش است. حتی تلاشهای مادی بشر می تواند در مسائل معنوی او هم تأثیر بسزائی داشته باشد. مثلاً اگر انسانها بخواهند آیات عظمت خداوند را بر فراز آسمانها، در دل دریاها، درون دره ها، یا حتی در وجود خودشان بیابند، اگر تلاش نکنند و تولید بیشتری نداشته باشند، شناخت کاملی برای آنان میسر نمی گردد. تولید در یک تعریف جامع به این گونه بیان می شود: هر عمل اقتصادی که در جهت به فعلیت رساندن بهره مندی از نعمتهای الهی باشد تولید است» (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹: ۲۷۰). «در نظام اقتصادی همانند سایر نظامها، تولید از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است تا جایی که حتی رهبران الهی که به حکم پرداختن به مسئولیتهای سنگین اجتماعی کاملاً استحقاق استفاده از بیت المال را داشته اند کوشش می کردند در حد امکان از بیت المال استفاده نکنند و از دسترنج کار تولیدی خود مخارج زندگی را بپردازند. در روایتی از حضرت علی (ع) آمده که خداوند به داود پیامبر وحی فرستاد که تو بنده ی خوبی هستی، اما تنها اشکالت این است که از بیت المال استفاده می کنی و با دست خود کار نمی کنی. امام صادق (ع) فرمود: «من در بعضی از اراضی مزروعی خود کار می کنم و عرق می ریزم با اینکه کسانی را دارم که این کارهای مشکل را برعهده گیرند» (سبحانی، ۱۳۸۰: ۵۱). تولید، رفع فقر و افزایش سطح رفاه عمومی زندگی را برعهده دارد. تولید با هدف برطرف کردن نیاز فرد و اجتماع برای رسیدن به تکامل، گسترش ابزار تولید و فن آوری، بالا بردن سطح زندگی کارگر و مصرف اجتماع، سازماندهی می شود.

## عوامل تولید

زمین: «یکی از اهداف کلی سیاستهای اقتصادی در نظامهای اقتصادی، رشد و توسعه ی اقتصادی است. رشد در اصطلاح متداول معمولاً به افزایش تولید ناخالص ملی تعبیر می شود. بدون تردید یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام نیز آباد ساختن زمین و فراهم آوردن امکانات رفاه و آسایش مسلمانان می باشد» (عباس نژاد، ۱۳۸۴: ۳۷۱). بر همین اساس در قرآن کریم آمده است: \* و الی ثمود اناهم صالحا قال یا قوم اعبدا الله ... \* «خداوند شما را از زمین آفرید و به آباد کردن آن مأمور ساخت» (الهود: ۶۱). زمین از آن حق است و به عنوان استخلاف در هر دوره به امام عهد تعلق دارد و در این باب روایات و احادیث معتبر ذکر شده است. \*ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین\* (الاعراف: ۱۲۸). «امام باقر (ع) فرمود: ما در کتاب حضرت علی (ع) یافتیم که: «زمین متعلق به خداست و به هر کس از بندگان خویش بخواهد وا میگذارد و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است. من و خاندانم کسانی هستیم که خدا زمین را به ما واگذار کرده و ما هستیم پرهیزگاران و همه ی زمین از آن ماست.» بدین نکته باید توجه نمود که زمین حاصل کار انسان نیست و قبل از کار انسان نیز موجود بوده است. بلکه تنها بارآور شدن آن به سبب کار انسانی است. اما در مقابل، آنچه در اثر احیاء و زراعت از زمین حاصل می گردد، حاصل سعی انسان است» (معارف، ۱۳۹۱: ۱۷۷). «خداوند متعال، انسان را خلیفه خود در زمین معرفی کرده و جهان را در تسخیر و به منزله امانتی در دست وی قرار داده است: \* اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ \* (الجاثیه: ۱۲) «خداوند کسی است که دریا را مسخر شما قرار داده است تا در آن کشتیرانی

کنید و از فضل او بهره گیرید؛ شاید سپاسگزاری کنید.» تسخیر به معنای تسلط مطلق بر طبیعت نیست؛ به گونه ای که انسان هر کاری را بخواهد درباره آن روا دارد؛ بلکه بدین معنی است که طبیعت این قابلیت را دارد که در مسیر استفاده انسان جهت رشد و تعالی خود قرار گیرد و بشر این توانایی را دارد که با قدرت فکری خود از پدیده های طبیعی به اندازه لازم استفاده بکند و به اصطلاح، طبیعت از این لحاظ همانند موم در دست بشر است و در این جهت از خود مقاومتی نشان نمی دهد» (فراهانی فرد، ۱۳۸۹: ۲۵۹).

**کار:** «یکی دیگر از عوامل تولید، نیروی کار است و در تعریف آن گفته اند: کار عبارت است از به وجود آوردن عمل، چه گفتاری یا رفتاری یا قلبی باشد، ولی کار با فعالیتهای بدنی تناسب بیشتری دارد. اسلام علاوه بر ارزش دادن به کار و لزوم قدردانی کامل در برابر هر نوع کار ارزشمند، یادآوری کرده که انگیزه اصلی برای کار تنها نباید رفع نیاز شخصی باشد، بلکه پذیرفتن کار باید هم به منظور رفع نیازهای زندگی و ایجاد حالت بی نیازی از نظر اقتصادی از سایرین و هم قصد خدمت به دیگران باشد. اهمیت کار در اسلام به حدی است که اجازه نمی دهد کارگری در اجتماع بیکار باشد، گرچه خود نیاز به کار کردن نداشته باشد، چون هر فرد در برابر جامعه مسئول است. همچنین در اهمیت کار اضافه شده که کار غیر از آنکه وسیله ای برای زندگی است، راهی است برای انجام امور خیر، برطرف کردن نیاز مادی جامعه انسانی، از دید مذاهب نوعی عبادت است و در سایه آن مالکیت حاصل می شود و حق تصرف و تملک پدید می آید» (سبحانی، ۱۳۸۰: ۶۰). «درمیان عوامل تولید، کار از جایگاه ممتاز و ویژه ای برخوردار است. زیرا با انجام کار و استفاده از نیروی انسانی، سایر عوامل و منابع، مورد بهره برداری قرار می گیرند. حتی فناوری پیشرفته که امروز جانشین انسان شده است، محصول کار و تلاش انسان است. اسلام به کار و اشتغال اهمیت زیادی داده و آن را فریضه ی الهی برای مسلمانان شمرده است» (حسینی، ۱۳۸۱: ۴۹۷). حضرت علی (ع) می فرماید: \*علیکم بالجدّ والاجتهاد والتأهب والاستعداد\* «بر شما باد به تلاش و سخت کوشی و مهیا شدن و آماده گشتن» (دشتی، ۱۳۷۹: خطبه ۱۳۰). بی شک تلاش و تولید و بهره وری بهینه از آب و خاک، راه نفوذ را بر استعمارگران و اجانب می بندد. استعمارگران کهنه کاری که با ظاهری خیر خواهانه و به انگیزه تغییرات اساسی در زندگی مردم، به کشورهای جهان سوم وارد شده، به تدریج فرهنگ تنبلی و سستی و تن پروری را، در میان مردم نهادینه کرده، سرانجام آب و خاک سرزمین آنها را به انگیزه احیاء، بازسازی و عمران از دست آنان می ربایند. از این رو مشاهده می شود، در مکتب حیاتبخش اسلام به کار و کوشش از زاویه استقلال و خودکفایی، اهمیت ویژه ای داده شده است. اسلام، عرب جاهلی را از تنبلی و تن پروری و آماده خوری بیرون آورد و به کار و کوشش و تلاش واداشت. از امیرالمومنین (ع) نقل شده است که فرمود: «من وجد ماء و تراباً ثم افتقر فابعد الله هرکه آب و خاکی بیابد و باز هم فقیر باشد، خدا او را از رحمت خود دور کند» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۰۰: ۶۵).

### تولیدات واجب و مکاسبه حرام از منظر اسلام

«در اسلام هر گونه تولیدی که برای انسان مفید بوده و ثمره ای عقلانی برآن مترتب باشد پذیرفته شده است و در محدوده ی فعالیتهای مباح قرار می گیرد. اما با وجود این بعضی از انواع تولیدات بواسطه ی اهمیت خاصی که داشته ، در اسلام مورد تشویق قرار گرفته است. مسلماً تولید برخی کالاها و خدمات، که از نیازهای اولیه ی زندگی به شمار می رود و تأمین سطوح بالا تر زندگی مترتب بر برآورده شدن آنهاست، از اولویت بیشتری برخوردار است و از آن جمله مواد غذایی است که نوعاً از طریق فعالیتهای کشاورزی و دامداری و صنایع و خدمات مرتبط به آنها تهیه می شود. از جمله تولیدات واجب :

الف- تولید کالاها و خدماتی که حیات افراد بر آنها مترتب است. به گونه ای که در اثر نبود چنین تولیداتی، زندگانی بشر در معرض مخاطره قرار گیرد.



ب- تولید اشیائی که قوام و نظم جامعه بدانها وابسته است گرچه نسبت به فرد، دارای ضرورت و لزومی نمی باشد.  
ج- تولید ابزارهای نظامی که جامعه مسلمین برای دفاع و یا جهاد به آنها احتیاج دارد.  
برای جلوگیری از پاره ای مفاسد که ممکن است برای فرد یا جامعه رخ دهد، از نظر اسلام کسب در آمد از طریق ارائه برخی کالاها و خدمات ممنوع است.

۱. کسب در آمد از ناحیه فروش شراب، خوک و سگ ( به غیر از سگهای تربیت شده)
  ۲. فروش وسائل و ابزارهایی که تنها در کارهای حرام به کار می رود مانند: تار و پیانو، گیتار و وسائل قمارو...
  ۳. کسب در آمد از طریق غناء و آواز خوانی در مجالس لهو و لعب
  ۴. کسب در آمد از طریق جادو گری
  ۵. چاپ و انتشار کتب و مقالات گمراه کننده» ( پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷: ۲۹۴-۲۹۳).
- «بی تردید اگر عواقب و نتایج شوم حرام خواری و نیز آثار و برکات لقمه حلال، برای مردم روشن شود، هرگز به سراغ حرام نخواهند رفت. پیامبر(ص) می فرماید: \*الشاخص فی طلب الرزق الحلال کالمجاهد فی سبیل الله\* «هرکس برای کسب روزی حلال سفر کند مانند جهادگر در راه خداست» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۰۳: ۱۷). بعضی گمان می برند، چنانچه از هر راهی، گرچه از مسیر حرام، ثروتی بیندوزند، ثروتمند واقعی خواهند بود! در حالیکه همان مال حرام، شیرازه ی زندگی آنان را از هم پاشیده، ضربه ای به آنان وارد خواهد کرد که هرگز قادر نخواهند بود از جای خود حرکت کنند» (محمدرضا نژاد، ۱۳۸۶: ۵۴). پیامبر(ص) می فرماید: \*من کسب مالا من غیر حله افقره الله\* «هرکس مال و ثروتی از راه حرام بدست آورد خداوند متعال او را به فقر و تنگدستی مبتلا می سازد» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۰۰: ۵).

## مناهی اقتصاد

در اقتصاد اسلامی، مباحث بسیار زیادی به چشم می خورد که هر کدام از باز داشتن و ممانعت کردن انجام امر یا اموری در اقتصاد حکایت می کند و بسته به نوع نهی شدت و ضعف دارد، این قبیل از مطالب را با عنوان مناهای اقتصادی طبقه بندی می کنند .

**اسراف و تبذیر:** «اسراف، هر گونه گزافه کار و عبور از حد میانه است. اسراف نقطه مقابل اقتصاد به معنی میانه روی و رعایت اعتدال در خرج مال است و لزوم رعایت اعتدال و میانه روی در صرف مال از نظر اسلام یک قانون است، لذا تخلف از آن در هر مورد اسراف تلقی می شود. اسراف باعث افزایش تقاضای مبذورین و مسرفین برای مصرف کالاها و خدمات و در نتیجه بالا رفتن قیمتهاست. اسراف و تبذیر به تولیدات غیر ضروری و تجملی نیز زمینه مناسب عرضه را می دهد و در نتیجه از امکانات تولید کالاها ضروری یا تولید کالاها در اندازه های مورد نیاز جامعه می کاهد و موجب محرومیت مردم کم در آمد از آنها می شود. از نکات دیگر کاستن از امکانات ذخیره برای سرمایه گذاری آتی به واسطه اسراف است که موجب کاهش تولید می شود و فقر را به ارمغان می آورد» (سبحانی، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

یکی دیگر از شیوه های مصرف که در اسلام به شدت مورد نهی قرار گرفته، تبذیر است. تبذیر در لغت به معنای تضييع مال است. مثل ریختن آبی که در ظرف بماند و پاشیدن هسته خرما...وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ\* و تبذیر نکن تبذیر کردنی، همانا تبذیر کنندگان برادران شیاطین می باشند(الاسراء: ۲۷).

**ربا:** «رباخواری از جمله موضوعاتی است که در جامعه بشری قطب مستضعف و مستمند را در برابر قطب مستکبر و ثروتمندان قرار می دهد و یکی از راه هایی است که انسانهای ظالم و زالو صفت، خون انسان های مظلوم را از این طریق مکیده و ثمره ی دسترنج آنها را به آسانی و بدون هیچ زحمتی از دستشان می گیرند و طبقه محروم را برای همیشه در موقعیت بهره دهی قرار می دهند . به هر حال آیات قرآن مجید مربوط به ربا هنگامی نازل شد که

رباخواری با شدت هرچه تمام تر در مکه و مدینه و جزیره عربستان رواج داشت و یکی از عوامل مهم زندگی طبقاتی و ناتوانی شدید طبقه زحمتکش و طغیان اشراف بود. لذا مبارزه قرآن با ربا بخش مهمی از مبارزات اجتماعی اسلام را تشکیل می دهد» (بیات، ۱۳۷۳: ۸۹).

در نگرش دین جامعه ای که بر پایه ی ربا فعالیتهای اقتصادی و معیشتی خود را سامان دهد، به سوی نابودی گام می نهد و از رستگاری و شکوفایی واقعی باز می ماند. \* يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا \* «خداوند مال ربا را نابود می کند» (البقره، ۲۷۶). از جمله حکمتهای تحریم ربا در اسلام شرکت عینی مردم در فعالیتهای بازرگانی و تولیدی و حضور ملموس در اقتصاد جامعه است. امام صادق (ع) می فرماید: \* فحرم الله الربا ، لتنفّر الناس عن الحرام الى التجارات و الى اسبع و الشراء \* «خداوند ربا را حرام کرده ، تا مردمان از حرام بگریزند و به کسب و کار و خرید و فروش بپردازند» (حکیمی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۶۱۰).

در باب حرمت ربا روایات صریح دیگری که محتوای پلید این عمل را بیان می نماید آمده است. \* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ \* «ای کسانی که ایمان آورده اید رباخواری نکنید و اضعاف مضاعف مبلغی را که قرض داده اید باز پس نگیرید و دستور خدا را اطاعت کنید تا رستگار شوید» (آل عمران: ۱۳۰). نظام ربا خواری، ستون فقرات اقتصاد عرب جاهلی را تشکیل می داد و شدید ترین مبارزه ی قرآن با آداب و رسوم عرب جاهلی، متوجه این شیوه از نظام اقتصادی آنان است. قرآن ناهنجاریهای اجتماعی و اقتصادی عصر جاهلیت مانند روابط نامشروع مردان و زنان، زورگویی زورمندان، رباخواری، میگساری و قماربازی را «فواحش» یاد می کند و اظهار می دارد، خداوند آنها را حرام و ممنوع کرده است: \* قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ۖ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۚ بَٰكُو: «پروردگار من فقط زشتکاریها را چه آشکارش و چه پنهان و گناه و ستم نا حق را حرام گردانیده است» (الاعراف: ۳۳).

**احتکار:** «احتکار آن است که انسان کالائی را پس از خریداری مخفی نموده تا گران شود و سپس آن را بفروشد. احتکار در اجناس مورد نیاز مردم، ظلمی فاحش و گناهی نا بخشودنی است که در قرآن و روایات مورد نکوهش قرار گرفته است. از اینرو احتکار از مصادیق روشن ظلم و تعدی به حقوق مردم بشمار می رود که جز با رضایت صاحبان حق، جرم و گناه آن بخشیده نخواهد شد. افکار عمومی بر این باور است که احتکار نیازمندیهای مردم و ایجاد قطعی مصنوعی، زشت ترین کاری است که فقط توسط افراد پست و حقیر صورت می گیرد. زیرا این عمل زشت از یک سو موجب فتنه و آشوب اقتصادی و از سوی دیگر کشتن تدریجی مردم و سلب آسایش آنان بشمار می رود. ولیکن انسان عاقل و با وجدان هرگز اسیر شهوت ها و لذت های زودگذر خود نگردیده، از احتکار شدیداً متنفر و آخرت سعادتمند خود را به دنیای بی ارزش نمی فروشد» (محمدی نژاد، ۱۳۸۶: ۹۹).

## تکالیف عبادی و اقتصادی

«اسلام نیازهای اقتصادی را بر طرف کرده است، آن هم از منظر احترام و نه ترحم. اگر کسی خواست حکومتی را تأیید کند، مالیاتی به او بدهد، مسئولان یک نظام را تأیید کند، باید با منظر احترام باشد نه ترحم. و اگر کسی خواست شهروندی را تأمین کند، نیازهای شخصی یک انسانی را برطرف کند، آن هم باید از منظر احترام باشد نه ترحم. چون با کرامت انسانی هماهنگ است. یک بیان نورانی از حضرت علی (ع) است که فرمود: \* لو تمثل لی الفقر رجلاً لقتلته \* «هر جا فقر را ببینم گردن فقر را می زنم.» در اسلام مواردی به عنوان مبنای در آمد برای حکومت در نظر گرفته شده است که عبارت است از: خمس و زکات. اینها سرمایه هایی است که خداوند متعال برای تأمین امکانات مورد نیاز دولت اسلامی وضع فرموده است. با دقت در آیات و روایات، خداوند متعال خمس و زکات را برای



اداره ی حکومت اسلامی و تأمین مستمندان اعم از سادات و دیگران که به سهم خود بخشی از هزینه های دولت اسلامی است، قرار داده است (یوسفی و همکاران، ۱۳۷۹: ۲۵۰).

**خمس:** خداوند متعال در قرآن مجید به وجوب خمس اشاره کرده، می فرماید: \* وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ... \* « بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای نزدیکان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است» (الانفال، ۴۱). «خمس در درجه ی اول مال خداوند و حق الهی است که در نظام حکومتی اسلام، در اختیار مقام رسالت و امامت قرار می گیرد و در زمان غیبت به ولی فقیه و مجتهد جامع الشرائط سپرده می شود تا در راه مصالح مسلمانان، توسعه و ترویج فرهنگ و معارف اسلامی، تبلیغات و امور دیگر مصرف کند. پرداخت خمس سبب تقویت بنیه ی اقتصادی حکومت اسلامی، تضمین استقلال آن، رفع محرومیت ها و نیازمندیهای جامعه، به ویژه رفع نیازهای سادات فقیر می شود» (فرقانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۲۱). امام رضا (ع) می فرماید: \* ان الخمس عوننا علی دیننا و علی عیالاتنا و علی موالینا \* « همانا خمس کمکی بر دین و اهداف دینی خاندان و دوستان ما است» (حرعاملی، ج ۹: ۵۳۸).

«خمس از مالیاتهای ثابت و معین و از ضروریات اسلام و وسیله ای برای تعدیل وضع اقتصادی جامعه است. یعنی در حقیقت تأمین نیازهای جامعه: ایجاد امکانات و شرایط ترقی و پیشرفت مردم، توسعه امور کشاورزی و کارخانجات صنعتی برای بی نیاز شدن از بیگانگان، بسط بازارهای بازرگانی، توسعه دادن به فرهنگ عمومی و تهیه وسایل برای تأمین اصول بهداشت مردم، تبلیغات، ایجاد امکانات برای آماده شدن ملت در مقابل دشمن و پدید آوردن سازمانهای دفاعی لازم، تشکیل سازمانهای علمی و پدید آوردن امکان مطالعات تحقیقی و بالا بردن سطح فکری - علمی و فنی مردم و کوشش در هر امری که منافع اجتماعی داشته باشد. در اسلام اشتراک اموال در بین فقرا و اغنیاء اعلام گردیده است. فقرا شریک اموال اغنیاء و شرکای مظلوم و ستمدیده ثروتمندان اند. امام علی (ع) می فرماید: \* إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْاَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِكَ. \* « خداوند سبحان خوراک تهیدستان را در اموال توانگران قرار داده، هیچ فقیری گرسنه نمی ماند مگر به واسطه اینکه ثروتمندی از حق او بهره مند شده و خدای تعالی در این باره از آنان باز خواست می کند» (سبحانی، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

**زکات:** زکات در لغت یعنی پاکیزگی و رشد و نمو و در شرع، منظور صدقه واجب از مال است، زیرا زکات دهندگان با پرداخت زکات نزد خدای سبحان پاک می گردند و در زمره ی پاک شدگان قرار می گیرند. در قرآن کریم آمده است: \* خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا... \* « از اموال آنان صدقه ای به عنوان زکات بگیر، تا به وسیله ی آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی (توبه: ۱۰۳). « فلسفه پرداخت زکات، ریشه کنی فقر از جامعه ی اسلامی است و به راستی اگر مسلمانان به این دستور حیات بخش به خوبی عمل کنند در جامعه اسلامی فقری باقی نخواهد ماند. امام صادق (ع) می فرماید: «همانا زکات برای آزمایش ثروتمندان و کمک به فقیران مقرر شده است و اگر مردم، زکات مال خود را بپردازند، مسلمان تهیدست و نیازمندی باقی نخواهد ماند» (حرعاملی، ج ۶: ۴).

## فقر

«فقر علاوه بر ایجاد نارسایی در تأمین غذا، فرصت و امکان آموزش و حتی حق انتخاب را از فقرا و فرزندان آنان سلب می کند. نارسایی در تأمین کالاهای اساسی و غذا و مسکن برای این که انسان بتواند به زندگی توأم با توسعه دست یابد به عنوان فقر معیشتی شناخته می شود. فقر در آیات و روایات به چهار معنا آمده است» (کمالی، ۱۳۸۳: ۳۱).

**فقر ذاتی:** «بدان که فقیر آن بود که چیزی که وی را بدان حاجت بود ندارد و به دست وی نبود، و آدمی را اول به وجود خود حاجت است، آنگاه به بقاء خود حاجت است، آنگاه به غذا و به مال و به چیزهای بسیار، و از این همه هیچ چیز به دست وی نیست، وی درین همه نیازمند است و غنی آن بود که از غیر خود بی نیاز بود، و این جز یکی نیست جل جلاله، و دیگر هرکه در وجود آید از جن و انس و ملائکه و شیاطین همه هستی ایشان و بقاء ایشان به ایشان نیست، پس به حقیقت همه فقیرند» (غزالی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۸۳۴). \*يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ\* «ای مردم شما به خدا محتاج هستید و خداوند است که غنی و بی نیاز است. چنان که ملاحظه می شود این فقر یک فقر وجودی است و همه عالم به خدا محتاج هستند» (الفاطر: ۳۵).

**فقر به معنای نیاز انسان ها به یکدیگر:** «انسانها برای گذراندن امور خود احتیاج به یکدیگر دارند و این نیازها باعث زندگی جمعی انسان است. این نیاز انسان ها به یکدیگر ذاتاً نه ممدوح است و نه مذموم و در واقع مسئله ای اختیاری نیست. بنابراین انسان ها به دلیل داشتن این فقر و نیاز، نه قابل مدح اند و نه قابل ذم» (فراهانی فرد، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

**فقر نفس:** «این فقرحالتی است نفسانی که انسان به مال یا مقام یا چیز دیگری خود را نیازمند ببیند. این فقر، فقر نفس است. اگر انسان دچار فقرباشد، هر چند هم از لحاظ مادی ثروتمند باشد، باز هم احساس کمبود می کند» (فراهانی فرد، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

**فقر مالی و تهیدستی:** تنگدستی و فقر به نیروی تدبیر و مدیریت جامعه خلل وارد می آورد و آن را به سوی پذیرش سلطه و استعمار سوق می دهد. جامعه فقیر، قدرت تصمیم گیری و اتخاذ راه و روش اداره مستقل جامعه را ندارد. تعمق در این روایات بیانگر این واقعیت است که فقرمالی با تعبیرهای گوناگون نامطلوب دانسته شده است. از پیامبر (ص) روایت شده که: «فقر نزدیک به کفر است. (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۲: ۳۰)». در مقابل فقر، از غنای مالی به نیکی یاد شده است و گفته شده که: «ثروتمندی، کمک خوبی به تقوای الهی است. (کلینی، ج ۵: ۷۱)». «اسلام دوست دارد که انسان زندگی خود را بیاراید و زیبا سازد و دستور داده که نعمتهایی را که خداوند به شما داده با آراستن خود و زندگی خود نمایان کنید» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۰۳).

## دین و دنیا

«دنیای غرب در بررسی های علمی عقب ماندگی مسلمانان را عوامل متعددی ذکر کرده اند. یک دسته از این عوامل را مربوط به اعتقادات مسلمانان می دانند و معتقدند افکار و معتقدات دینی مانع رشد و توسعه مسلمانان بوده و هست. از جمله این موانع، مسئله نوع نگرش به دنیاست. بر این اساس معتقدند: تحقیر زندگی دنیا، از جمله عوامل عقب ماندگی و موانع فرهنگی است که مانع توسعه همه جانبه مسلمانان شده است. روشن است که توسعه و رشد باید در این دنیا صورت گیرد و این مسئله با به کارگیری عقل، در آن صورت است که انسان می تواند بر رفاه و آسایش خود بیفزاید. دنیا از نگاه مادی با نگاه دینی فرق دارد. در نگاه مادی همه چیز در دنیا خلاصه می شود و دنیا معبود انسان قرار می گیرد و خود هدف واقع می شود. ولی در اسلام دنیا هم وسیله ای است برای رسیدن به اهداف عالی تر و انسان مؤمن، موظف است برای دنیا خویش آنگونه تلاش کند که گویی برای همیشه زنده است. در نتیجه بینشی که از طریق اسلام درباره ی دنیا برای انسان ایجاد می شود، هرگز مانع توسعه و حرکت و کوشش نیست و انسان مؤمن نمی تواند به بهانه آخرت، دنیا را ترک گوید یا به بهانه دنیا، آخرت را ترک کند» (موسایی، ۱۳۹۰: ۹۶). قرآن کریم نیز این تصور را که مؤمنان نباید از نعمت های دنیا استفاده کنند، نادرست می شمارد و می فرماید: \*قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ

كَذَلِكَ نَقُصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ\* « بگو زیورهایی که خداوند برای بندگانش پدید آورده و روزی های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است؟! بگو این نعمت ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند و روز قیامت نیز ویژه ی آنان است» (الاعراف : ۳۲). «در نهج البلاغه ، بخش کلمات قصار، آمده است : شخصی خدمت امیرالمؤمنین (ع) آمد و زبان به ذم دنیا گشود که دنیا جنایتکار است. تصور وی چنین بود که مقصود از مذمت دنیا مذمت واقعیت این جهان است، مقصود این است که جهان فی حد ذاته بد است، نمی دانست که آنچه بد است دنیا پرستی است، آنچه بد است دید کوتاه و خواست محدود است که با انسان و سعادت انسان ناسازگار است. علی (ع) به او فرمود: تو فریب دنیا می خوری ، دنیا تو را فریب نمی دهد، تو بر دنیا جنایت وارد آورده ای، دنیا بر تو جنایت نکرده است... تا آنجا که فرمود: دنیا با کسی که با صداقت رفتار کند صدیق است و برای کسی که آن را درک کند مایه ی عافیت است؛ دنیا معبد دوستان خدا، مصلای فرشتگان خدا، فرودگاه وحی خدا، تجارتخانه ی اولیاء خداست» (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۰۴). قرآن می فرماید: ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ﴾ « خدا مرگ و زندگی را آفرید تا ببازماید که کدامیک از شما درست کار ترید. دنیا که تلفیق و ترکیبی از موت و حیات است آزمایشگاه نیکوکاری بشر است» (الملک: ۲).

در اسلام، برخلاف تمام مکاتب موجود جهان، اقتصاد بدون مبنا یا بر مبنای صرفاً مادی نیست. بلکه مبانی مادی اقتصاد، تنها بر اساس مبانی الهی، یعنی جهان بینی و تربیت خاص اسلامی ، مفهوم می یابد. اقتصاد در اسلام نمی تواند هدف نهایی وی تلقی شود. بلکه وسیله ای است در اختیار انسان، برای رسیدن به هدف غائی، یعنی قرب خدای تعالی.

### نتیجه گیری

اخوی (۱۳۷۹)، قمی و سجادی (۱۳۹۱) درعین نشان دادن ناسازگاری مبانی مدرنیسم با مبانی اسلامی، به ارائه الگوی صحیح زهد در آنها پرداخت در مقاله های خود به این نکته واقفند که دنیا به خودی خود مذموم نیست، بلکه وابستگی و دلبستگی شدید به دنیا و هدف قرار دادن آن مورد نکوهش واقع شده است. این تحقیقات با مطالعات انجام شده در این پژوهش نیز همسویی دارد. در اسلام مواردی به عنوان مبنای در آمد برای حکومت در نظر گرفته شده است که عبارت است از : خمس و زکات. اینها سرمایه هایی است که خداوند متعال برای تأمین امکانات مورد نیاز دولت اسلامی وضع فرموده است. از مصارف و مخارج مسلمانان ، انفاقها و صدقات مستحب و هدیه های او به دیگران است که همگی در ریشه کن کردن فقر اهمیت زیادی دارند. ملای (۱۳۹۰) و بهاتا (۲۰۰۱) به این نکته واقفند که فقر یک پدیده ی نامطلوب اجتماعی است و گستره ی آن در جامعه به پیامدهای زیانبار همه جانبه ای در کوتاه مدت و بلند مدت همراه می باشد. فقر پدیده ای است شوم که روح و جسم را می فرساید. در اقتصاد خلل وارد می سازد و نا هنجاریهای اجتماعی ایجاد می کند. و در این مورد نیز با پژوهش حاضر همسویی دارد. فرهنگ کار در میان انبیاء فرهنگ کار و تلاش و سازندگی است؛ فرهنگی که در سایه ی آن می توان به خوشبختی و رستگاری رسید. انبیای الهی اغلب به شغل چوپانی و کشاورزی و معلمی و تربیت اجتماعی اشتغال داشته اند. این گونه کار و تلاش است که پیامبر (ص) ، از آن به عنوان برترین عبادت ها یاد می کند و می فرماید: ﴿العباد سبعون جزء افضلها جزء طلب الحلال﴾ عبادت ، هفتاد قسمت است که برترین قسمت آن کار کردن و طلب حلال است. امینی (۱۳۸۸) عزیزان (۱۳۸۹)، به ضرورت کار و تلاش از دیدگاه اسلام پرداخته و سپس به نفی طمع ورزی نسبت به اموال مردم اشاره دارد. خسرو پناه (۱۳۸۱)، حسینی کوهساری (۱۳۹۰) ، اصغری (۱۳۹۲) ، بین تربیت دینی و اقتصاد مقاومتی رابطه معناداری جستجو نموده، زیرا تربیت دینی در بعد اقتصادی در واقع همان مهارت آموزی و به

کارگیری آن در بهره وری بهینه از منابع و ارتقاء بهره وری است. همسو بودن این تحقیقات با تحقیق حاضر در یافته های پژوهش واضح می باشد.

بنابراین، نظام ارزشی اسلام، خوشبختی دنیا و آخرت انسان را به طور همزمان مورد توجه قرار داده و دنیا را مزرعه آخرت معرفی کرده است. بر این مبنا، هر رفتار اقتصادی مفید که در حوزه ارزش های اسلامی مجاز باشد، مطلوب و شایسته است. تردیدی نیست که حفظ دین و فرهنگ دینی و دیگر مظاهر و شؤون دین، همچنین گسترش و تبلیغ آن، نیازمند قدرت مالی و اقتصادی است. فراهم آوردن رفاه و آسایش و ایجاد شرایطی که در آن، آحاد جامعه جهانی - به ویژه مسلمانان - از نظر معیشتی در وضعیت خوبی باشند و اضطراب و نگرانی از این ناحیه احساس نکنند، در سرنوشت برنامه های دین اسلام می باشد؛ لذا، ایجاد پیشرفت همه جانبه و گسترده اقتصادی و اینکه وضعیت زندگی و اقتصاد مردم از رونق بی نظیری برخوردار شود، اهمیت بسیاری دارد. هرچند همه ی جنبه های حیات انسانی، به نحوی در یکدیگر تأثیر دارند و با هم مرتبط و وابسته هستند، اما اقتصاد در این میان، از ویژگیهای خاصی برخوردار است. اقتصاد صحیح و پویا، امکانات وسیعی برای رشد سایر استعدادهای انسانی فراهم می سازد و با نبود و یا عدم کارایی آن، امکانات رشد و شکوفائی جوانب دیگر حیات انسانی، مختل می شود و آن چنانکه شایسته است، به کمال مطلوب نمی رسد. در نظام اقتصادی مطلوب که انسان را فقط حاصل فعل و انفعالات مادی می داند، بانظام اقتصادی مطلوب کسانی که معتقدند: \* انا لله و انا الیه راجعون\*، فاصله ی زیادی دارد و چنین نظامهایی قابل مقایسه با یکدیگر نیستند. در آیاتی از قرآن بیان شده که زندگی دنیا آنگاه مطلوبست که در جهت آخرت و مقدمه و زمینه ی حرکت به سوی جهان ابدی باشد. و وقتی مورد نکوهش است که به آن اصالت داده شود و از وسیله بودن آن غفلت گردد. فرهنگ کار در میان انبیاء فرهنگ کار و تلاش و سازندگی است؛ فرهنگی که در سایه ی آن می توان به خوشبختی و رستگاری رسید. انبیای الهی اغلب به شغل چوپانی و کشاورزی و معلمی و تعلیم و تربیت اجتماعی اشتغال داشته اند. این گونه کار و تلاش است که پیامبر (ص)، از آن به عنوان برترین عبادت ها یاد می کند و می فرماید: \* العباد سبعون جزء افضلها جزء طلب الحلال\* عبادت، هفتاد قسمت است که برترین قسمت آن کار کردن و طلب حلال است. پس، مکاتب الهی به لحاظ اینکه هدف اصلی خلقت انسان را تقرب به خداوند می دانند و معتقدند فقط اندکی از کمال انسان در این دنیا تحقق می یابد و بیشتر آن در دنیای دیگر، بنابراین، تأکید اصلی راهبردهای ارائه شده در دین اسلام برای توسعه، بر این است که برنامه ریزی جهت تحقق اهداف توسعه و رسیدن به آبادانی دنیا و آسایش همگانی باید با توجه به این هدف انجام شود.

## موضوع های پژوهشی در زمینه ی اقتصادی

- نقش فقر به عنوان عامل رکود اقتصادی
- بررسی نقش تربیت دینی در بهبود زندگی اقتصادی

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

اخوی، اصغر، (۱۳۷۹)؛ نقش تربیتی دنیا از دیدگاه امام علی (ع)، پژوهشهای تربیت اسلامی، ۴: ۱۳۲-۱۱۵  
اصغری، محمود، (۱۳۹۲)؛ تربیت دینی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی، فصلنامه پژوهشهای اجتماعی اسلامی،  
۹۹: ۱۲۰-۱۳۷

امینی، امینه بانو، (۱۳۸۸)؛ توسعه اجتماعی اقتصادی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه  
امیرالمؤمنین علی(ع)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آزاد خوراسگان.  
بیات، بیت الله، (۱۳۷۳)؛ فقر ستیزی، قم، انتشارات شکوری .

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، (۱۳۸۷)، در آمدی بر اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات سمت، چاپ هشتم .  
جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱)؛ نسبت دین و دنیا، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول.  
حر العاملی، محمد حسن، (۱۰۳۲-۱۱۰۴ ق)؛ وسائل الشیعه، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.  
حسینی کوهساری، سید مفید، (۱۳۹۰)؛ اعجاز اقتصادی قرآن کریم. دو فصلنامه تخصصی قرآن و علم، سال  
پنجم، ۸: ۳۲-۲۵

حسینی، هادی، (۱۳۸۱)؛ فقر و توسعه در منابع دینی. قم، انتشارات بوستان کتاب.  
حکیمی، محمد رضا، (۱۳۸۶)؛ ترجمه الحیاه، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ، چاپ نهم .  
دشتی، محمد، (۱۳۷۹)؛ ترجمه نهج البلاغه، قم، انتشارات مشرقین، چاپ سوم.  
سبحانی، حسن، (۱۳۸۰)؛ دغدغه ها و چشم اندازهای اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.  
ستوده، هدایت الله، (۱۳۸۴)؛ تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام (از فارابی تا شریعتی)، تهران، ندای آریانا.  
طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، (۱۴۱۴ق)؛ (۱۳۷۰)؛ مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی، چاپ چهارم.  
عباس نژاد، محسن، (۱۳۸۴)؛ قرآن و اقتصاد، مشهد مقدس، انتشارات بنیاد پژوهشهای قرآنی حوزه و دانشگاه، چاپ  
اول.

عزیزان، مهدی، (۱۳۸۹)؛ ارزش و آداب کار اقتصادی در اسلام. نشریه پیام، ۱۰۲: ۱۴۹-۱۳۸.  
عیوضلو، حسین؛ حسینی عقیل، (۱۳۹۰)؛ فلسفه اقتصاد اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ  
اول.

غزالی، امام محمد، (۴۵۰-۵۰۵ق)، (۱۳۷۹)؛ کیمیای سعادت، تصحیح احمد آرام، جلد دوم. تهران: گنجینه، چاپ  
پنجم.

فراهانی فرد، سعید، (۱۳۸۹)؛ اقتصاد منابع طبیعی از منظر اسلام، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه  
اسلامی، چاپ اول.

فرقانی، قدرت الله؛ حیدری، احمد؛ رفیعی، علی؛ (۱۳۸۵)؛ معرفت دینی، تهران، اداره آموزش عقیدتی سیاسی  
نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ چهارم.

قمی، محسن؛ سادات سجادی، مرضیه، (۱۳۹۱)؛ بررسی الگوی زهد اسلامی در عصر حاضر. فصلنامه علمی  
پژوهشی، پژوهشنامه اخلاق، سال پنجم، شماره ۱۶.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸)؛ فروع کافی. ترجمه گروه مترجمان، قم، قدس، چاپ اول.



- كمالى، حسين، (۱۳۸۳)؛ **جامعه، كار و توسعه**، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، چاپ دوم.
- مجلسى، محمد باقر، (۱۳۸۵ق)؛ (۱۳۶۶)؛ **بحار الانوار**، تهران، دارالكتب اسلاميه، چاپ دوم .
- محمدى نژاد، حسينعلى، (۱۳۸۶)؛ **اسلام و مبارزه با مفاصد اقتصادى**، تهران، نشر نخل، چاپ اول.
- مطهرى، مرتضى، (۱۳۷۴)؛ **مجموعه آثار استاد شهيد مطهرى**، تهران، انتشارات صدرا، چاپ ششم.
- معارف، عباس، (۱۳۹۱)؛ **مبانى حكمنى اقتصاد و معيشت**، آبادان، انتشارات پرسش، چاپ چهارم.
- ملايى، زهره، (۱۳۹۰)؛ **بررسى عوامل فقر و شيوه هاى مبارزه با آن از ديدگاه قرآن و متون اسلامى**، كارشناسى ارشد، دانشكده علوم تربيتى دانشگاه خوراسگان .
- موساىى، ميثم، (۱۳۹۰)؛ **دين، توسعه و فرهنگ**، تهران، جامعه شناسان، چاپ اول.
- يوسفى احمد على و همكاران، (۱۳۷۹)؛ **نظام مالى اسلام رابطه ي خمس و زكات با مالياتهاى حكومتى**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى، چاپ اول.

Bhatta S D, 2001.**Are inequality and poverty harmful for economic growth** . Journal of Urban Affairs, 23 : 335-359



## the role of Islamic Economics on human intellectual movement

### Abstract

The study aimed to investigate the role of Islamic Economics on human intellectual movement of fundamental and descriptive - analytic study. That after returning to the original sources, taking notes from the survey data were collected and compiled. This study examines the role of religion in economic development, the importance of production, work, products and sacred vocations duty of Islam, including the avoidance of extravagance and wastefulness ,usury, speculation and religious practices and economic ,the types of poverty and religious view of the world. Results showed that, in addition to prosperity in the world economy, religion, hereafter known as an indisputable fact, and in order to strengthen the community, need to multiply wealth, income distribution is fair and reasonable.

**Keywords:** Islam Teachings , Intellectual movement , Islamic Economics